

استادانه

محتوای خوب از ما، زهره خوب برای شما

«خلاصه کتاب اندیشه اسلامی ۱ تألیف دکتر محمد اصلانی»

فهرست مطالب

۳	فصل اول: انسان در جهان:
۴	فصل دوم: مبدا هستی
۵	تمثیل:
۸	توحید و شرک:
۹	شرک:
۹	توسل به انبیاء و اولیای الهی:
۱۱	فصل سوم: هدف از خلقت
۱۱	معانی هدف، خلقت و هدف از خلقت:
۱۱	منشأ پرسش از خلقت:
۱۱	هدف از خلقت موجودات:
۱۲	کمال:
۱۲	چرایی سختی و شر:
۱۴	فصل چهارم: انسان شناسی و جهان شناسی هدف خلقت
۱۴	انسان شناسی هدف خلقت:
۱۵	ملاک تشخیص شناخت‌های فطری:
۱۵	اثبات وجود شناخت‌های فطری در انسان:
۱۶	گرایش به حق جویی:
۱۶	گرایش به حق پذیری:
۱۶	گرایش به خیر و فضیلت:
۱۶	گرایش به زیبایی:
۲۰	ب) تقسیمات قضا و قدر تکوینی:
۲۰	اعمال انسان:

- مسئله شر: ۲۰
- عدل الهی: ۲۲
- فصل پنجم: آغازی دیگر در راه پیوستن به ابدیت ۲۳
- معنای معاد: ۲۳
- اثبات بازگشت انسان به سوی خدا: ۲۳
- امکان بازگشت انسان به سوی خدا: ۲۴
- خلقت اولیه و دوران جنینی: ۲۴
- رویش گیاهان: ۲۴
- معجزاتی از زنده شدن حیوانات: ۲۴
- معجزاتی از زنده شدن انسان‌ها: ۲۵
- ضرورت بازگشت انسان به سوی خدا: ۲۵
- برهان معقولیت: ۲۵
- سودوزیان در آخرت: ۲۵
- در صورت عدم وجود آخرت: ۲۵
- در صورت وجود آخرت: ۲۵
- برهان حکمت: ۲۶
- برهان عدالت: ۲۶
- مهمترین انگیزه انکار معاد: ۲۷
- زمان آغاز این بازگشت: ۲۷
- ایستگاه‌هایی در راه بازگشت به سوی خدا: ۲۷
- مرگ: ۲۷
- ورود به عالم برزخ: ۲۹
- مسئله تناسخ: ۲۹
- سرانجام نهایی بازگشت به سوی خدا: ۳۰
- بهشت و جهنم: ۳۰

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکریم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ازش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

www.OSTADANEH.com



توجه توجه

انسان نمی‌تواند به زندگی و آغاز و انجام کارش بی تفاوت باشد. این بی تفاوتی غیر از آنکه مغایر فطرت جست و جو گر اوست می‌تواند نتایج ناخوشایندی را نیز در پی داشته باشد.

انسان با آمال و آرزوهایش زنده است. نداشتن هدف مساوی است با نداشتن برنامه زندگی و کمترین نتیجه آن سردرگمی و نتیجه وخیم تر آن احساس پوچی است.

مرگ واقعیتی یگانه است. منطقی نمی‌توان پذیرفت که پس از این دنیا هم زندگی دیگری است هست و هم نیست. اگر کسی مرگ را پایان زندگی تصور کند و بپذیرد که با مرگ نابود میشود، قطعاً اهدافش از این دنیا تجاوز نخواهد کرد و برعکس.

انتخاب هدف صحیح در گرو شناخت دقیق و صحیح انسان و جهان است.

انتخاب پاسخ نادرست انسان را به بیراهه برده و از مقصد خود دور می‌کند. هرکس در مسیر نادرست سریعتر پیش برود، از مقصد دورتر خواهد شد.

انسان برای به دست آوردن فهم دقیق از انسان و جهان حتی اگر تمام تلاش خود را نیز به کار بگیرد، ممکن است در مسیر یافتن پاسخ صحیح دچار خطا شود. خطا جزو جدایی ناپذیر زندگی انسان است.

یکی از مواردی که خطا را کاهش می‌دهد، فهم علمی است. بسیاری از مشاهدات ظاهری ما با واقعیت تطابقی ندارد. آنچه مهم است این است که برای فهم علمی باید از ظاهر اشیاء عبور کرده و به باطن و حقیقت آنها برسیم.

چیستی هر چیزی غیر از هستی آن است .

ممکن الوجود: رابطه آنها نسبت به عدم و وجود یکی است؛ می‌توانند باشند و می‌توانند نباشند. وجود ذاتی چنین موجودی نیست .

ذات ما فی نفسه نسبت به هستی و نیستی یکسان است .

چرا موجودی که می‌شد نباشد، هست؟ زیرا وجودش را از دیگری گرفته است .

علت همان عامل به وجود آورنده است و معلول نیز همان چیزی است که پدید می‌آید و نکته در پدید آمدنش است است به این معنی که از اول وجود نداشته است. معلول در پیدایش خود نقشی ندارد .

عالم پدیدارهای: عالمی که تمام پدیدارهای عالم هستی یکجا در آن جمع هستند و هیچ پدیده‌ای از آن خارج نیست .

واجب الوجود: وجودش به دیگری بسته نیست و وجود ذاتی اش است. چنین موجودی ازلی و ابدی است. نه به وجود آمده و نه از بین خواهد رفت .

موجودات از جهت وجود داشتن دوگونه اند :

واجب الوجود و ممکن الوجود .

عالم پدیدارها از عدم به وجود نیامده است و خودش هم خودش را به وجود نیاورده است؛ در نتیجه موجود دیگری خارج از عالم پدیدارها آن را به وجود آورده است .

واجب الوجود که وجود ذاتی اش است عالم پدیدارها را به وجود آورده است .

تنها یک واجب الوجود وجود دارد و آن هم خداوند است .

ویژگی‌های خداوند :

۱- وجود ویژگی ذاتی اوست و هیچ‌گاه از او جدا نمی‌شود،

۲- همواره بوده و همواره خواهد بود،

۳- نه به وجود آمده و نه از بین خواهد رفت،

۴- وجود محض است،

۵- منشأ تمام موجودات عالم است،

۶- حدی ندارد و نامحدود است.

گفته شد که خداوند نامحدود است چون وجود ویژگی ذاتی اوست و هرگز از او جدا نمی‌شود. موجودی که وجود ذاتی اوست وجود محض است.

خداوند احد است نه واحد عددی. واحد عددی یعنی موجود محدودی کنار موجود محدود دیگر. اما احد یعنی یگانه ای که دومی برای او متصور نیست چون وجودش بی‌نهایت است.

خاصیت تمثیل: هر تمثیلی برای این است که از یک یا چند جهت خاص به فهم مسئله کمک می‌کند اما ممکن است از بسیاری جهات برای فهم انسان مشکل ساز باشد.

ما مخلوقات نه خداییم و نه جدای از خدا. وجود ما از وجود او نشئت گرفته ولی وجود ما در برابر عظمت و بزرگی خالق ذره ای بیش نیست.

تمثیل:

ذهن تو خالق تصورات است، خدا هم خالق تمام موجودات. هرگاه اراده کنی ذهنت تصورات را خلق می‌کند، خداوند هم با اراده موجودات را خلق می‌کند.

تا وقتی در ذهنت به تصورات توجه کنی هستند اما همین که توجهت را از آنها برداری دیگر نیستند، خداوند متعال هم تا وقتی اراده اش بر بودن موجودات باشد، آنها هستند ولی همین که اراده اش را بردارد از بین می‌روند.

ذهن خلاق است و می‌تواند تصورات جدیدی بسازد، خداوند هم خلاق است و می‌تواند غیر از موجوداتی که تا کنون آفریده، هر موجودی را که اراده کند بیافریند. تعدد تصوراتی که ذهن می‌تواند ایجاد کند بی‌نهایت است، تعداد مخلوقات هم که خدا می‌تواند خلق کند بی‌نهایت است.

پس:

۱_ تصورات به ذهن آدمی وابسته هستند همانطور که مخلوقات به خداوند.

۲_ می‌شود آدمی وجود داشته باشد ولی تصورات وجود نداشته باشند، همانطور که می‌شود خدا وجود داشته باشد ولی مخلوقات وجود نداشته باشند.

آیا شناخت ذات و اسماء و صفات الهی ممکن است؟

یک. امکان شناخت ذات و اسماء و صفات الهی:

نسبت بین واقعیت، مفهوم و لفظ؛

نسبت بین ذات، اسم و صفت در خداوند متعال.

مقدمه نخست:

هر موجودی به سه شکل در عالم هستی حضور دارد:

۱- واقعی: موجودی است که در عالم واقع حضور دارد.

۲- ذهنی: هر موجودی است که در عالم ذهن حضور دارد مانند تصورات.

۳- لفظی (کتبی یا شفاهی): لفظ کتبی موجودی است که بر روی کاغذ، تخته یا هر جایی که بتوان بر آن چیزی نوشت ثبت شود.

لفظ شفاهی نیز موجودی است که به صورت صوت و در قالب کلمات و جملات بر زبان جاری می‌شود.

سلسله مراتب:

۱- لفظ

۲- مفهوم ذهنی

۳- واقعیت خارجی

ذات الهی و اسماء و صفات خداوند واقعیاتی هستند که مستقل از انسان و ذهن او در عالم هستی وجود دارند.

وقتی خداوند را با الفاظ مربوط به ذات او مانند خدا یا الله یا او را با الفاظ مربوط به صفات او صدا می‌زنیم مانند رحمان و رزاق و ... او صدای ما را می‌شوند.

برای مثال منظورمان از یا رحمان که به بخشندگی خداوند اشاره دارد، بیان درخواستی از خداوند است.

ذات خداوند متعال آن حقیقتی است که آکنده از صفات بی‌پایان و نامحدود اوست.

تفاوت بین اسم و صفت:

اگر تنها علم خداوند را به صورت مستقل و بدون اتصاف آن به ذات الهی در نظر بگیریم، صفاتی از صفات الهی را در نظر گرفته ایم؛ اما اگر همان علم را این بار با اتصافش به ذات خدا در نظر بگیریم، یعنی ذات دارای علم را در نظر بگیریم، اسمی از اسماء الهی را در نظر گرفته‌ایم.

آیا شناخت اسماء و صفات ممکن است؟

ما صفات و خصوصیات را هرچند ناقص در این جهان مشاهده می‌کنیم،

ما درکی واضح از این صفات و خصوصیات این جهانی داریم،

خداوند متعال این صفات را به جهان و موجودات داده است،

پس خود خداوند باید دارای همان صفات باشد البته به صورت مطلق و بدون عیب و نقص،

نتیجه‌گیری: ما درکی از اسماء و صفات الهی داریم.

درک عقلانی ما از این صفات این گونه است:

صفات و خصوصیات خوبی را که در عالم و موجودات عالم مشاهده می‌کنیم، از نقص محدودیت پیراسته

نموده، کامل و بی‌عیب و نقص آن را به خداوند متعال نسبت می‌دهیم.

درک ما از اسماء و صفات الهی از سه راه زیر حاصل می‌شود:

۱- عقلی، ۲- نقلی ۳- شهودی.

خداوند متعال دارای ذات، اسماء و صفات نامحدود است. در مقابل ما موجوداتی کاملاً محدودیم که به هنگام

ادراک حضوری لازم است برآنچه ادراک می‌کنیم احاطه داشته باشیم.

خداوند متعال دارای باطنی است که از آن به غیب مطلق یاد شده است؛ باطنی که حقیقت ذات الهی است و

بر احدی حتی پیامبران اولوالعزم و امامان معصوم هم آشکار نیست.

خداوند متعال دارای تجلیاتی ظاهری است که از آن به ظاهر مطلق یاد شده است؛ ظاهری که همین دنیای

مادی است و بر تمام موجودات حتی موجوداتی که دارای ادراکات ظاهری اند، آشکار است. خداوند متعال

دارای تجلیاتی است میان این دو؛ بین باطن مطلق و ظاهر مطلق. همان اسماء الهی که دارای مراتبی بالاتر از

عالم ماده هستند. این مراتب برای دستگاه ادراک ظاهری ما غایب است و باطن شمرده می‌شود و ما آنها را با

حواس ظاهری خود ادراک نمی‌کنیم. استعداد ادراک باطنی در درون انسان وجود دارد.

تقسیمات صفات الهی:

الف) صفات ثبوتیه و سلویه:

صفات ثبوتیه: صفاتی که معنای ثبوتی را افاده می‌کند مانند علم و حیات. این صفات معنای کمالی آمد و

این کمالات را برای خداوند متعال اثبات می‌کنند.

صفات سلبيه: معنای سلبي را افاده می‌کند مانند سبوح و قدوس و سایر صفاتی که خدا را منزّه از نقایص می‌سازد.

ب) صفت ذاتی / صفات فعل:

صفت ذاتی صفتی است که برای نسبت دادن آن به خداوند متعال به تصور هیچ چیز دیگری جز ذات الهی محتاج نیستیم مانند حیات و قدرت و علم خدا به ذات خودش.

صفت فعلی: صفتی است که برای نسبت دادن آن به خداوند متعال علاوه بر ذات باید چیز دیگری را نیز تصور کنیم مانند خالق و رازق.

توحید و شرک:

اهمیت توحید و شرک در زندگی:

اگر حقیقت توحید در عمق جان هر انسانی نفوذ کند و او اعتقادی توحیدی داشته باشد، این اعتقاد در سایر اعتقادات، اخلاق و در سراسر زندگی اش منعکس خواهد شد.

معنای توحید و شرک:

اگر دو موجود در یک ذات با هم شریک باشند، شرک و مشارکت‌شان ذاتی است. مشارکت در فعل و صفت و مالکیت و ... نیز وجود دارد. در شرک چنین مشارکت‌هایی وجود دارد ولی در توحید وجود ندارد.

خداوند متعال هم در ذات و هم در صفات و افعال بی‌همتا است و شریکی ندارد.

برخی از اقسام توحید:

الف) توحید در ذات / توحید ذاتی:

توحید ذاتی عبارت است از اینکه در عالم واقعیت فقط یک خدا وجود دارد و در عالم ذهن هم نمی‌توان خدای دیگری را تصور کرد.

ب) توحید در صفات / توحید صفاتی:

همه صفات خداوند متعال عین همدیگر و همگی عین ذات او هستند. خداوند یک حقیقت واحد بیشتر نیست. همان یک حقیقت واحد در عین اینکه ذاتی نامتناهی است، علم نامتناهی، قدرت نامتناهی هم هست.

توحید صفاتی به این معنا است که تمام صفات خداوند متعال عین هم و همگی عین ذات خداوند هستند و تنها در مفهوم با هم فرق دارند.

ج) توحید در خالقیت:

خداوند متعال خالق هر مخلوقی است و در میان مخلوقات هیچ مخلوقی پیدا نمی‌شود که خالق جز خدا داشته باشد.

د) توحید در ربوبیت:

خداوند متعال تنها آفریننده تمام موجودات است و بعد از آفرینش نیز تنها موجودی است که آنها را به حال خود رها نکرده و در بالاترین سطح امور آنها را تدبیر و کارگردانی می‌کند.

ه) توحید در عبادت و پرستش:

این توحید در ادامه توحید در خالقیت و ربوبیت است.

عبادت: از ریشه عبد به معنای تسلیم و خضوع و فروتنی است و در نتیجه توحید در عبادت یعنی تنها موجودی که شایسته است در مقابل او تسلیم محض بود و خضوع نمود خداوند است.

شرک:

شرک در مقابل توحید است و به این معنا است که برای خداوند متعال، در مواردی که به او اختصاص دارد شریک قائل شد، شریک در ذات، صفات و

مشرکین در سه امر از امور اساسی دین اسلام مشکل اساسی دارند:

۱- توحید در ربوبیت و عبادت، ۲- نبوت ۳- معاد.

توسل به انبیاء و اولیای الهی:

توسل در لغت به این معنا است که انسان با رغبت و تمایل کاری یا چیزی را واسطه قرار دهد تا به وسیله آن به شخصی یا چیزی نزدیک شود، یعنی رضایت او را جلب کند.

وسيله در لغت به معنای چیزی است که به واسطه ی آن به چیز دیگری تقرب و نزدیکی حاصل می‌شود.

توسل فرایندی است که سه طرف یا مفهوم در آن وجود دارد:

۱- شخصی که به واسطه متوسل می‌شود،

۲- واسطه،

۳- شخصی که توسل کننده می‌خواهد به او نزدیک شود و رضایت او را جلب کند.

توسل مسئله ای نیست که صرفاً در دین مطرح باشد بلکه در عرف نیز مطرح است و عقل آن را تایید می‌کند.

تبرک جستن به آثار انبیاء و اولیای الهی:

اگر تبرک جوینده برای پیامبر، اولیای خدا یا هر موجود دیگری که به آثار او تبرک می جوید شأن الهی قائل باشد شرک است در غیر این صورت شرک نیست.

